

تفسیر سورہ مبارکہ الحاقہ

برگرفته از تفسیر نور

دبیرستان روزبه (دوره اول)

آیات ۱ تا ۸

سال تحصیلی ۹۹۰۰

ترم اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای سوره حاقّه

- این سوره، پنجاه و دو آیه دارد و در مکه نازل شده است.
- نام سوره برگرفته از آیه اول است و به معنای امر ثابت و محقق است.
- محور مطالب این سوره قیامت و ویژگی‌های آن است و سه نام از نام‌های قیامت: «الْحَاقَّةُ»، «الْقَارِعَةُ»، «الْوَاقِعَةُ» در این سوره آمده است.
- سرنوشت شوم اقوام پیشین، عظمت قرآن و پیامبر، ویژگی دوزخ و بهشت و دوزخیان و بهشتیان، بخش‌های بعدی این سوره را تشکیل می‌دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

| | |
|--|--|
| آن امر راستین. | الْحَاقَّةُ» ۱» |
| چیست آن امر راستین. | مَا الْحَاقَّةُ» ۲» |
| و تو چه می‌دانی که چیست آن امر راستین. | وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ» ۳» |
| قوم ثمود و عاد آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند. | كَذَّبَتْ ثَمُودٌ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ» ۴» |
| پس قوم ثمود به خاطر طغیان گری نابود شدند. | فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ» ۵» |

نکته‌ها:

- «الْحَاقَّةُ» از «حق» به معنای امر ثابت و محقق است. این کلمه، یکی از نام‌های قیامت است، زیرا قیامت واقعه‌ای حتمی، حقیقی و ثابت است.
- «الْقَارِعَةُ» از «قرع» به معنای کوبیدن است. یعنی جهان در آستانه برپائی قیامت با حادثه‌ای کوبنده روبرو است.
- برای هلاکت قوم ثمود سه وسیله در قرآن آمده است:

الف) زلزله. «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ»

ب) صیحه. «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً»

ج) صاعقه. «مِثْلَ صَاعِقِهِ عَادٍ وَ ثَمُودَ»

- شاید هر سه عذاب همراه یکدیگر و ملازم یکدیگر بوده اند، یعنی رعد و برق و زلزله و شاید هر عذابی عده‌ای را از پا درآورده است.
- ایجاد حساسیت و انگیزه و عطش برای شنیدن مسائل مهم لازم است. تکرار کلمه «الْحَاقَّةُ» مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر که اشرف مخلوقات است، همه و همه، برای ایجاد حساسیت است.

پیام‌ها:

۱- قیامت، روزی بس بزرگ و هولناک است. «الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ»

۲- قیامت جز از راه وحی، قابل شناخت نیست. «مَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ»

۳- تکذیب کنندگان قیامت، گرفتار قهر الهی در دنیا می‌شوند. «كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ... فَأَهْلِكُوا»

۴- قیامت، حادثه‌ای کوبنده و هولناک است. «بِالْقَارِعَةِ»

۵- تمام کیفرها در قیامت نیست، کیفر اقوامی در همین دنیا است. «فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ»

۶- تکذیب، مقدمه طغیان و طغیان، سبب نابودی است. «كَذَّبَتْ... فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ»

۷- خصلت‌ها و رفتارها، معیار دریافت خیر یا شر است. «بِالطَّاغِيَةِ»

وَأَمَّا قَوْمٌ عَادٌ بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾ و اما قوم عاد به وسیله بادی سرد و سوزنده و بنیان کن نابود شدند.

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ
حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ
أَعْجَازٌ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾
که خداوند هفت شب و هشت روز پی در پی،
آن را بر آنان مسلط کرد. پس (اگر آنجا بودی)
می‌دیدى که در آن ایام، آن قوم از پا افتاده،

گویا تنه‌های نخل تو خالی هستند.

پس آیا هیچ بازمانده‌ای برای آنان می‌بینی؟

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيهِ «۸»

نکته ها:

- «صَرَصِرٍ» به معنای باد سرد و سخت است و «عَاتِيهِ» از «عتو» به معنای سرکش است.
- «حسوم» جمع «حاسم» یعنی انجام مکرر و پی در پی یک عمل تا قطع و نابودی کامل.
- «خاویه» هم به معنای تو خالی است و هم به معنای چیزی که به زمین افتاده باشد.
- «صَرَعى» جمع «صریع» به چیزی گفته می‌شود که روی زمین افتاده باشد و «أعجازُ» جمع «عجز» به معنای تنه درخت است.
- در آیه ۲۰ سوره قمر می‌خوانیم «كَانَهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ» ، یعنی هلاکت قوم عاد آن گونه بود که گویا تنه بلند درخت خرما از ریشه کنده شده باشد.

پیام ها:

- ۱- دست خدا در نوع عذاب باز است. قوم ثمود را با آتش صاعقه و قوم عاد را با باد سرد هلاک می‌کند. «بِرِيحٍ صَرَصِرٍ»
- ۲- آثار پدیده‌های هستی به دست خداست. باد، یک بار سبب حرکت کشتی‌ها و ابرها و نزول باران می‌شود و یک بار وسیله هلاکت. «بِرِيحٍ صَرَصِرٍ»
- ۳- عذابهای الهی گاهی دفعی است و گاهی تدریجی. «سَبَّحَ لَيْالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ»
- ۴- تنومندی و نیرومندی مانع هلاکت نیست. اگر قامت و بلندی انسان مثل درخت خرما باشد، در برابر قهر الهی به زمین می‌افتد. «أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ»
- ۵- کیفرها یکسان نیستند، گاهی به کلی محو کننده اند: «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ» ولی گاهی جسم می‌ماند. «أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ»